

موفق عمل کرده است، با چه رویکردی به سراغ دوار آهنگسازی دوار رفته‌اید؟

آهنگ سازی این اثر چالش بسیار سختی بود، چرا که فیلم حول و حوش یک نوازنده می‌چرخد به همین خاطر از همان ابتدا مانگران این بودیم که استفاده از موسیقی در این اثر به قدری نباشد که دل مخاطب را بزند.

با توجه به اینکه این فیلم از سه ردیف موسیقی در سه لایه استفاده کرده است. که یکی موسیقی خود فیلم بود، دیگری موسیقی که کاراکتر اصلی می‌نواخت و سومین موسیقی که در اثر تحت عنوان صداها می‌محیطی شخصیت ساخته و پرداخته می‌شد. به همین منظور از همان ابتدا ما حد و فاصله بین سکوت‌ها و موسیقی را حفظ کردیم و بعد از آن علاقه کاراکتر را، در گوش کردن موسیقی‌های مختلف به سمت کلیت کار و اثر نظام بخشیدیم.

با این وصف باید موسیقی اثر هم دارای مضمون و پیرنگ بوده باشد؟

بله یک نوع موسیقی چرخشی برگرفته از حال و هوای خود اثر که دنیایی دوار را به تصویر کشیده است. گویا شخصیت در یک دایره و لوپ تکرار شونده از نت‌ها و نواخت‌ها گیر افتاده است که از نواخت یک سری نت‌ها شروع و بعد از اوج و فرودی دوباره در تله ابتدایی همان نت‌های اولیه گیر می‌کند. در جهت همین مضمون ما در جاهایی هم حتی موسیقی را به صورت برعکس پلی کرده‌ایم.

برای خلق موسیقی این اثر از چه چیزی الهام گرفته‌اید؟
شعری هست از مظاهر مصفا که می‌گوید: پرگار سرنگونم و عمری به پای سر/ برگرد خویش دور زده در مدار هیچ.

از چه سازهایی در اجرا استفاده کرده‌اید؟
از پیانو که ساز کاراکتر اصلی خود فیلم است، سازهای الکترونیک و در جاهایی هم سازهای زهی استفاده شده است.

میلاذ خزائی:

قرار بود بازی نکنم و خودم باشم

تجربه شما از اجرای این نقش چه بوده است؟

من به دوربین می‌شدم اعتماد داشتم و شخصیت برگرفته و نمایشی از روحیات شخصی خودم بوده است. تمرین‌هایی که قبل از شروع کار در پلاتو داشتیم همه بر پایه بداهه‌سازی و شبیه‌سازی شخصیت به خود واقعی‌مان بود. در واقع از همان ابتدا هم قرار کارگردان با من این بود که بازی نکنم و خودم باشم. همان‌طور که خود بنده به صورت جدی کار موسیقی می‌کنم.

ارجاع هوشمندانه خواننده قدیمی فردی مرکوری چقدر در شخصیت پردازی به شما کمک کرد؟

من از طرفداران و دنبال‌کننده‌های سرسخت فردی مرکوری هستم. فضای موسیقایی این خواننده بسیار در تجسم و تاثیرگذاری ایفای نقش من اهمیت داشت.

مهسا اکبرپور:

وای دوباره میلاد شدم

از نقش خود در فیلم دوار بگوئید؟

این فیلم طبق درخواست کارگردان بیشتر سعی در مستندسازی وقایع داشت به همین دلیل از اسم‌های خودمان در نقش استفاده شده بود. کاراکتر برای من خیلی دوست داشتنی بود چرا که مهسا دختری هدفمند، متعهد و صبور بود و بسیار به خودم شبیه و یا آنچه که آرزو دارم باشم، بود. دختری پرنرژی که برای رسیدن به هدف‌هایش دیوانه وار تلاش و برای حفظ رابطه‌اش عاشقانه تقلا می‌کرد.

این فیلم از نظر حرفه‌ای چه تجربه‌ای برای مهسا اکبرپور داشت؟

این فیلم اولین تجربه بلند سینمایی من بود، کارگردان دست‌ما را در بداهه پردازی باز گذاشته بود، در این فیلم ما شخصیتی را بازی می‌کردیم که دیگر به خودمان تبدیل شده بود. و علاوه بر آن حین تمرین، تکنیک‌هایی از روش نقش‌پردازی را تمرین می‌کردیم که در اجرا بسیار موثر بود، لحظه‌های سلفی بیشتر از همه برایم جذاب و پرچالش بود.

چگونه این فیلم را برای دیدن به بقیه معرفی می‌کنید؟
برای هر کسی واجب است این فیلم را ببیند، چرا که این فیلم پرده از راز تلخی برمی‌دارد که در زندگی همه ما نمود دارد، در این دنیای شلوغ پر زد و خورد همیشه لحظه‌هایی هست که نمی‌دانیم در کجا و چرا هستیم؟ زمان‌هایی که دچار پریشانی ذهنی می‌شویم. راستش من گاهی که در زندگی شخصی‌ام دچار حواس‌پرتی می‌شوم با خود می‌گویم؛ “وای دوباره میلاد شدم”

می‌دانستم کارگردان به دنبال خلق چه دنیایی است. به همین خاطر من از ایشان خواهش کردم در اتاق تدوین نباشند تا کاری را فکر می‌کردم درست است انجام دهم و در انتها کار هر نکته‌ای که لازم باشد را راجع به آن با هم به گفتگو بنشینیم.

آیا کارگردان حرف تان را گوش کردند؟

بله، اتفاقاً نتیجه خوبی از این تصمیم گرفتیم. و باز خوردهای خوبی را از تماشاگر و ... دریافت کردیم.

هر چه می‌خواهد دل تنگات بگو:

این فیلم بدون هیچ حامی به صورت مستقل ساخته شده است. و تجربه‌هایی نوآورانه‌ای را به سینمای ایران اضافه کرده است. دوست دارم مردم فیلم را ببینند و با به تماشا نشستن آن، از این انرژی خودجوش و تجربه‌گرا در سینمای ایران حمایت کنند.

پیام آزادی:

موسیقی گرفتار در دام یک لوپ تکرار شونده

شنیده‌ها حاکی است که این فیلم در بخش آهنگ‌سازی

این فیلم با توجه به ماهیت قصه می‌طلبید ما نوع روایت دیگری را برای آن برگزینیم. به همین ترتیب بنده در خوانش اولیه روایت که کارگردان برای بنده فرستاد، شیوه روایت غیر خطی را برای این فیلم بسیار مناسب‌تر دیدم.

فیلمنامه‌ای که از ابتدا برای تان ارسال کردند خطی بود یا غیر خطی؟

خطی بود، اما در ادامه با مشورت‌هایی که با کارگردان داشتیم به این تصمیم برای معماری اثر رسیدیم. و در ادامه کارگردان از هر پیشنهاد دیگر در طول کار برای هر چه بهتر شدن کار استقبال می‌کردند.

در یک مصاحبه از فیلم خواننده بودم که به کارگردان اثر، میثم حسن زاده گفته‌اید لطفاً از اتاق تدوین برو بیرون!

(می‌خندد) بله همین‌طور است. معمولاً کارگردان‌ها دلبسته به پلان‌ها هستند و اجازه آزادی عمل در حذف آنها را نمی‌دهند واقعیت این است که من احساس کردم اگر در تنهایی و آرامش با اثر به تعامل بنشینم، نتیجه بهتری خواهم گرفت. با توجه به اینکه کاملاً

